



شماره ۵۳۴، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۲ تیرماه ۱۳۷۷

درد آتشین به کارگران مبارز ایران

اعتصاب‌ها، اعتراض‌ها و مبارزه خستگی ناپذیر کارگران ادامه دارد

توان این نتیجه روشن را گرفت که، از سال گذشته به این سو، جنبش اعتراضی در اشکال گوناگون دائماً رشد کرده و بویژه سطح سازماندهی و آگاهی آن ارتقاء یافته است. اعتصاب‌های کارگری در سه ماه اول سال کنونی (۱۳۷۷)، همچنین این واقعیت را نشان می‌دهد که باردیگر مراکز عمده تولیدی و صنعتی و نیز کارگران بخش‌های کلیدی و استراتژیک، پا به میدان مبارزه گذاشته‌اند. این امر از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا توانایی جنبش

جنبش کارگری میهن ما، طی دو ماه اخیر، گسترش چشمگیری یافته است. براین پایه می‌توان گفت، در شرایط کنونی سلسله اعتصاب‌های کارگری در سراسر کشور، مهمترین نمودار توانایی جنبش وسیع مردمی برای طرد رژیم «ولایت فقیه»، و تحقق آزادی، عدالت اجتماعی و جامعه مدنی است. از همین رو سران رژیم با به کارگیری کلیه امکانات می‌کوشند، این جنبش پر توان را که در صورت سازماندهی مناسب، تحکیم پیوندهای درونی و تجهیز به شعارهای دقیق، قادر خواهد بود، سرنوشت میهن ما را رقم بزند، منحرف، مهار و خاموش سازند. در یک ارزیابی واقع بینانه از وضعیت مبارزات طبقه کارگر، می

ادامه در صفحه ۳

اجلاس مهم بین‌المللی احزاب کمونیستی و کارگری به مناسبت یکصد و پنجاهمین سالگرد انتشار مانیفست

در صفحه ۴

فرازهایی از سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، در کنفرانس بین‌المللی احزاب کمونیستی و کارگری در صفحه ۷

در این شماره

- گزارش از دادگاه کرباسچی ۲ص
- مناقصه ۶ میلیارد دلاری در لندن ۲ص
- دو نظر درباره استیضاح نوری ۲ص
- هیأت نمایندگی حزب توده ایران
- در کنگره حزب کمونیست آلمان ۸ص

برکناری عبدالله نوری از وزارت کشور، پیروزی مهم مدافعان «ذوب در ولایت» در تشدید بحران و فلج کردن دولت خاتمی

برای آرامش و «نظام» خطرناک دانستند. محمد رضا باهنر، از سردمداران جناح انحصار طلب، و عضو هیأت رییس مجلس، وزارت کشور را به «اقداماتی نسنجیده و غیر مدبرانه که منجر به ایجاد جو التهاب، حاکمیت غوغا سالاری و هرج و مرج به جای مردم سالاری و گسترش پدیده مذموم و زشت خشونت در جامعه» متهم کرد و گفت: «به گمان ما شرایط ملتبهوب بوجود آمده امکان ورود به حیطه مسایل و معضلات اساسی و راههای حل آن را از دولت سلب می‌کند. عمده نکاتی که سبب اشتغال ذهن دولتمردان شده است چیزی جز بحران‌های کاذب برآمده از عملکرد نادرست وزارت کشور به ویژه شخص نوری نبوده است...» محمد موحد، نماینده گچساران نیز عبدالله نوری را به بی‌عملی در مقابل توطئه‌ها برضد «نظام»، خصوصاً در اصفهان و نجف آباد، متهم کرد.

عبدالله نوری، در دفاعیه خود ضمن اشاره به این مطلب که تشنج در جامعه ارتباط مستقیم با «نارسایی‌های اقتصادی»، «بیکاری» و «بالا رفتن سطح توقعات» مردم دارد، گفت: «تب و التهاب اجتماعی را نمی‌توان با شکستن میزان الحرارة برطرف کرد...» نوری در پاسخ به جناح مقابل افزود: «عده‌ای که از اجرای قانون متضرر می‌شوند با توسل به شیوه‌های خاص اهداف خود را تعقیب می‌کنند، شاید قصد دارند که از آب گل آلود ماهی‌های بزرگی بگیرند...» بگفته نوری، باید از استیضاح کنندگان پرسید: «چرا تجمع گروه‌ها و احزاب سیاسی قانونی که با مجوز وزارت کشور برگزار می‌شود، به تشنج کشیده می‌شود. آیا علت تشنج، صدور مجوز از سوی وزارت کشور است یا

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، عبدالله نوری، وزیر کشور، روز یکشنبه ۳۱ خردادماه، مورد استیضاح مجلس شورای اسلامی قرار گرفت، و با رأی عدم اعتماد اکثریت نمایندگان مجلس، از کار برکنار شد. بر اساس همین گزارش، ناطق نوری، رییس مجلس، و از سردمداران جناح انحصار طلب، در آغاز کار استیضاح، و هم به هنگام رأی‌گیری مجلس، این اقدام را در راستای اجرای قانون اساسی دانست و از جمله گفت: «استیضاح به هیچ وجه بمعنای تضاد و درگیری بین قوای مقننه و قوه مجریه و دولت و مجلس نیست... استیضاح یک وزیر، تضعیف دولت نیست. خوشبختانه محمد خاتمی رییس جمهوری در دیدار اخیر با معاونان و مشاوران وزارت کشور عبارات و تعبیر خوبی را در مورد استیضاح به کار برد...» ناطق نوری، به هنگام رأی‌گیری، همچنین تأکید کرد که این استیضاح «بر اساس اصل ۱۳۵ قانون اساسی و تفسیر شورای نگهبان از این اصل صورت می‌گیرد...»

بر اساس گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، از مجموع ۲۶۵ رأی داده شده، ۱۳۷ رأی عدم اعتماد، ۱۱۷ رأی اعتماد و ۱۱ رأی ممتنع داده شد. در پی رأی عدم اعتماد به عبدالله نوری، سید محمد خاتمی طی حکمی، سید مصطفی تاج‌زاده را به عنوان سرپرست وزارت کشور منصوب کرد و عبدالله نوری را به سمت «معاون توسعه و امور اجتماعی رییس جمهوری» برگمارد.

موافقان استیضاح، عبدالله نوری را به «بی‌آرامی‌کشاندن» فضای سیاسی کشور، «انحصار طلبی» و «انتصاب‌های جناحی» متهم کردند، و ادامه کار او را

ادامه در ص ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

مناقصه نفتی ایران در لندن

بر اساس گزارش های رسانه های گروهی جمهوری اسلامی، پانزده طرح نفتی کشور به ارزش ۶ میلیارد دلار، در لندن به مناقصه گذاشته خواهد شد. بر اساس اظهار نظر حجه الله غنیمتی، مدیر امور بین المللی شرکت ملی نفت ایران، این مناقصه ها که به شکل قرار داد های بیع متقابل خواهند بود، ظرفیت تولید نفت خام ایران را به مقدار قابل ملاحظه ای افزایش خواهند داد. این طرح ها، اکتشاف ۲۰ تا ۳۰ میلیارد بشکه نفت را در آبهای خلیج فارس و دریای



گزارش از دادگاه کرباسچی

پخش مستقیم جریان محاکمه کرباسچی، ابعاد فاجعه بار قضا و قضاوت در رژیم «ولایت فقیه» را در ابعاد بی سابقه ای در معرض قضاوت عمومی قرار داد. سومین جلسه محاکمه مانند جلسات قبلی صحنه برخوردی بین کرباسچی و محسنی رییس دادگاه بود که در عین حال وظایف دادستان را نیز انجام می دهد. کرباسچی سومین جلسه محاکمه خود را با خطبه ای از حضرت علی آغاز کرد که فوراً از سوی قاضی متوقف شد و از جمله گفته شد: «محسنی: اینجا منبر وعظ نیست، حاشیه نروید... وقت دادگاه بی جهت نباید هدر برود. ضرورتی ندارد. کرباسچی: انشاء الله خداوند ما را به حالتی برساند که بیان امیر المومنین باعث هدر رفتن وقت دادگاه نشود. محسنی: هر کلامی جایی دارد... محسنی: سؤال من را پاسخ دهید که باز پرداخت ۶۰۰ میلیون ریال از طریق آقای بهزادبان رابطه اش با این قرار داد و پرداخت آن از طریق شرکت همشهری چگونه است؟ کرباسچی: قرار است که من صحبت کنم؟ جنابعالی وقتی... محسنی: در مورد اتهام صحبت کنید، از آن خارج نشوید. کرباسچی: هر چیزی

که در دفاع از خود لازم می دانم و می خواهم بگویم، شما می گوید اینها را نگو. محسنی: نه، اگر خارج از موضوع صحبت کنید. کرباسچی: من می گویم شما به ریز ریز حساب مدیران در شهرداری رسیدگی می کنید. این یک حساب رایج است در همه وزارتخانه ها، همه دستگاه ها، شما که نظام اجرایی کشور را بازخواست نمی کنید. محسنی: شما می خواهید جواب ندهید. کرباسچی: نخیر من جواب دارم شما نمی گذارید جواب بدهم. محسنی پس رابطه قضیه را بفرمایید. بعد هر چه می خواهید دفاع کنید. کرباسچی: اینطوری که نمی شود. صحبت امیر المومنین را می خوانم شما می گوید نخوان... محسنی: بله وقت دادگاه را نگیرید... کرباسچی: این دادگاه با شکلی که پیدا کرده حیف است که قوه قضائیه، و شما که روحانی هستید، روابطی بر آن حاکم شود که درست نباشد. محسنی: شما بدترین تهمت را می زنید. کرباسچی: بدترین تهمت ها را شما به من زدید که گفتید دزد هستم. محسنی: من نگفتم دزد. کرباسچی: قاضی با اتهام در فقه، نمی تواند قضاوت کند. در مسایل عمومی باید مدعی العمومی باشد که در کیفر خواست به قطع و یقین برسد. محسنی: شما به قانون وارد نیستید. قوانین جمهوری اسلامی که از تصویب مجلس می گذرد شرعی است...»

ای دارد با محمد رضا باهنر، یکی از رهبران جناح راست، در مورد استیضاح وزیر کشور که در آن باهنر، در مقابل این سؤال، که چرا استیضاح اکنون انجام می گیرد، از جمله اشاره می کند: «باید دید که زمان دیگری بهتر از زمان موجود وجود دارد یا نه. ما در گذشته انتظار داشتیم که مشکلات به استیضاح کشیده نشود و از طریق سؤال و تذکر و جلسات خصوصی، حداکثر تلاش را کرده ایم که بتوانیم ایرادها را از این راهها حل کنیم، که نشد... این زمان را بهترین فرصت می دانیم زیرا ادامه منطقی اقدامات قانونی گذشته است. بویژه آنکه به این رسیده ایم که با ادامه حضور آقای نوری در وزارت کشور، مسایل پیچیده تر و مشکلات کشور و دولت بیشتر می شود.» نکته جالب دیگر در این مصاحبه این است که خبرنگار «فردا» از باهنر می پرسد: «بعضی ها مدعی شده اند که شما بطور عمدی زمان پایان ترم تحصیلی دانشگاه ها را برگزیده اید تا واکنش اجتماعی کمتری داشته باشید. همین طور همزمانی با مسابقات جهانی فوتبال که بطور طبیعی، اذنان به اینگونه مسایل کمتر توجه خواهد کرد.» باهنر در پاسخ به این سؤال با رندی خاصی می گوید: «مگر برخی سیاسیون مایل بودند در برابر اقدام قانونی مجلس التهاب اجتماعی ایجاد کنند که چنین ادعاهایی می کنند؟»

دو نظر درباره استیضاح وزیر کشور

بر اساس گزارش روزنامه سلام، سه شنبه ۲۶ خردادماه ۱۳۷۶، محمد سلامتی، دبیر کل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در مصاحبه ای با این روزنامه، در مورد علل استیضاح وزیر کشور از جمله گفته است: «طرح استیضاح وزیر کشور توسط تعدادی از نمایندگان مجلس در ادامه برنامه های جناح مخالف تحولات دوم خرداد به منظور مستاصل کردن دولت آقای خاتمی است... مخالفان آقای خاتمی و دولت جدید، پس از دوم خرداد، به بهانه های مختلف اقداماتی را علیه دولت سازماندهی کرده اند تا از این طریق آقای خاتمی را در تحقق اهداف و برنامه هایش ناکام کنند و در نهایت موجبات سقوط دولت را فراهم آورند... هدف دیگر استیضاح کنندگان، به انتخابات مجلس خبرگان مربوط است. حرکت هایی برای اصلاح روند انتخابات آتی مجلس خبرگان در وزارت کشور در جریان است و در این رابطه قرار است لایحه ای برای حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان ارائه شود که به نظر می رسد یکی از اهداف مخالفان وزیر کشور، ناکام گذاشتن این حرکت است...» روزنامه «فردا»، سه شنبه ۲۶ خرداد ماه، نیز مصاحبه

مازندران را امکان پذیر می سازد. بر اساس گزارش رويتر، در این مناقصه بزرگ نفتی در لندن، پنجاه مقام شرکت ملی نفت ایران شرکت خواهند کرد. در مراسم مناقصه ۶ میلیارد دلاری که از دهم تیرماه به مدت سه روز در لندن برگزار خواهد شد، افزون بر میدان ۱۸ میلیارد بشکه ای دارخوین، عملیات بهره برداری از چندین میدان فلات قاره، در خلیج فارس، به شرکت های نفتی ارایه خواهد شد. لازم به تذکر است که این مناقصه پس از توافق آمریکا با کشورهای اروپایی در جریان اجلاس سران ۸ کشور صنعتی جهان، برگزار می شود، که در آن دولت آمریکا توافق کرد تا از اعمال مجازات اقتصادی بر ضد شرکت هایی که با ایران قراردادهای اقتصادی بیش از ۴۰ میلیون دلار امضاء کنند، خودداری کند. همچنین بر اساس گزارش رويتر، در جریان مناقصه شرکت ملی نفت، برای اجرای طرح لوله نکا-ری، به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار، شمار شرکت کنندگان به بیش از ۱۲۰ شرکت رسید، بطوری که همه نمایندگان شرکت های شرکت کننده نتوانستند در محل مناقصه حضور یابند. بر اساس همین گزارش ها، در جریان این مناقصه، نمایندگان مراکز مالی و بانک های غربی نیز حضور داشتند.

تقی ابراهیم اوغلی (شاهین) در گذشت

بر اساس اخبار رسیده، تقی ابراهیم اوغلی (شاهین)، نویسنده و تاریخ نویس آذربایجانی، ۲۴ فروردین ماه ۱۳۷۷، در شهر باکو در گذشت.

تقی شاهین در سال ۱۲۸۴ شمسی در تبریز متولد شد، و در همین شهر فعالیت سیاسی خود را در حزب کمونیست ایران آغاز کرد. شاهین از همزمان دکتر تقی ارانی بود. او جزو گروه ۵۳ نفر بود و توسط پلیس رضا خان دستگیر و روانه شکنجه گاه گردید. محمد تقی شاهین در زندان تجربیات گرانبهای آموخت، و با مبارزان سرشناس آن دوران، از جمله جعفر پیشه وری از نزدیک آشنا شد.

تقی شاهین از رهبران فرقه دموکرات آذربایجان بود، که پس از سرکوب خونین حکومت خودمختار آذربایجان، مجبور به مهاجرت شد. رفیق تقی شاهین در مهاجرت نیز دست از مبارزه برنداشت و به نوشتن و تحقیق پرداخت. از جمله آثار او در این دوران می توان از «پیدایش حزب کمونیست ایران»، و «تشکل ها و جمعیت های سیاسی ایران» نام برد.

حزب توده ایران درگذشت تقی شاهین را به خانواده، دوستان، و آشنایان او تسلیت می گوید.

ادامه درود آتشین به کارگران مبارز ایران ...

کارگری و به دنبال آن قدرت مبارزات سراسری مردم را افزایش قابل ملاحظه ای می بخشد و به امکانات جنبش مردمی در راه طرد رژیم واپسگرای ولایت فقیه می افزاید. در اواخر اردیبهشت ماه امسال، گروهی از کارگران پالایشگاه آبادان دست به اعتصاب زدند و در برابر فرمانداری شهر اجتماع کردند. این کارگران به نبود امنیت شغلی و طرح اخراج برخی از نفتگران از پالایشگاه آبادان معترض بودند. این حرکت اعتراضی گرچه مورد حمایت تمامی نفتگران پالایشگاه واقع شد، اما اعتصاب تمام بخش ها و کلیه کارگران را شامل نشد، از همین رو رژیم قادر به مهار آن گردید. مهمترین جنبه این حرکت، انعکاس آن در سراسر خوزستان و نیز بین کلیه نفتگران ایران بود. روزنامه «کار و کارگر»، به صورت سربسته، خبری در باره این اعتصاب منتشر ساخت. نفتگران سراسر کشور نسبت به سطح دستمزدها، نبود امنیت شغلی و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل اعتراض دارند و نیز خواست اساسی تشکل های مستقل کارگری را مطرح می کنند. جو پالایشگاه اصفهان بشدت نا آرام است و امکان وقوع یک اعتصاب در آن بسیار جدی است.

رژیم که از قدرت نفتگران همچون پیشانان طبقه کارگر میهن ما، اطلاع دارد، سخت از بروز هر حرکتی در میان کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی می هراسد. بازتاب گسترده حرکت اعتراضی گروهی از کارگران در پالایشگاه آبادان، در میان نفتگران سراسر ایران، نشان می دهد که بروز یک حرکت اعتراضی جدی در صنعت نفت می تواند جنبه حاد پیدا کرده و مجموعه کارگران نفت را به حرکتی سازمان یافته برانگیزد! علاوه بر گروهی از نفتگران پالایشگاه آبادان، کارگران و زحمتکشان بخش حمل و نقل در شرکت ملی گاز ایران، منطقه تهران، نیز در اواسط فروردین ماه در اعتراض به سطح پایین دستمزدها، دست از کار کشیدند. شرایط معیشتی رانندگان و زحمتکشان بخش حمل و نقل شرکت ملی گاز در منطقه تهران، فوق العاده اسفبار است. زحمتکشان این قسمت اعلام کرده اند تا بهبود وضعیت شغلی و افزایش دستمزدها اعتصاب خود را ادامه خواهند داد. کارگران دلیر شرکت پارسان رشت، برای دومین بار طی ماه های اخیر اعتصاب کردند. این بار کارگران اعتصابی، همانگونه که در اعتصاب نخست تهدید کرده بودند، دست به راه پیمایی زدند و جاده رشت - فومن را مسدود ساختند.

کارگران خواستار جلوگیری از تعطیلی کارخانه، پرداخت دستمزدهای معوقه و تضمین امنیت شغلی هستند. این اعتصاب و راه پیمایی با برخورد شدید سپاه پاسداران روبرو شد. یگان های سرکوبگر سپاه، ابتدا کارگران را محاصره و سپس به آنها حمله کردند. دهها کارگر بوسیله باتوم و ابزارهای ضد شورش زخمی شدند و بیش از ۱۰ کارگر بازداشت شدند. در استان گیلان، علاوه بر رشت، کارگران اعتصابی بندر انزلی نیز مورد یورش مزدوران سپاه پاسداران قرار گرفتند. کارگران به سخنان امام جمعه بندر انزلی و دیگر مسئولین شهر پاسخی نداده و اعتصاب را ادامه دادند. با ادامه اعتصاب، سپاه پاسداران دخالت کرد و بشدت به صفوف کارگران حمله برد. در جریان درگیری تعدادی از کارگران بسختی مجروح شدند و چند نفر از آنها به بیمارستان انتقال یافتند. ۳۰ تن از کارگران نیز بعنوان اخلاف گرد دستگیر شدند. برخی مطبوعات مجاز اشاراتی کوتاه و مبهم به درگیری کارگران و پاسداران داشتند. در خیابان جی تهران نیز کارگران قهرمان کارخانه ریسندگی و بافندگی آذر که متعلق به بخش خصوصی است، در اواخر اردیبهشت ماه، اعتصاب یکپارچه ای را سازمان دادند. اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، پرداخت بموقع دستمزدها، افزایش سطح دستمزدها، مطابق با میزان تورم، از خواست های اصلی کارگران بود.

از آنجا که کارخانه مذکور در شهر تهران واقع است و ادامه اعتصاب بسرعت در سراسر پایتخت پخش می شد، مقامات رژیم و کارفرمایان این کارخانه بخش خصوصی، با دادن قول های مساعد، مانع از ادامه و گسترش اعتصاب شدند. در عین حال کارگران اعلام کرده اند در صورت عملی نشدن قول های کارفرمایان، مجددا اعتصاب خواهند کرد. یکی از مسئولین وزارت کار نسبت به ادامه اعتصاب به کارگران هشدار داد و اعلام کرد با این گونه حرکات در شهر تهران با شدت هر چه تاملتر مقابله خواهد شد.

علیرضا محجوب دبیر کل خانه کارگر و نماینده رژیم «ولایت فقیه» در مجلس، در ارتباط با تنش های شدید در کارخانجات و مراکز صنعتی، طی مصاحبه ای به

تاریخ ۳۱ فروردین ماه سال ۷۷، از جمله اعتراف کرد: «برخی واحدهای تولیدی کشور در پرداخت حقوق ماهانه به کارگران با مشکلات جدی روبرو هستند و بعضی از آنها اقدام به اخراج کارگران کرده اند... نرخ بالای سود در معاملات تجاری باعث رکود در واحدهای تولیدی کشور شده... واحدهای تولیدی ایران بطور متوسط با حدود ۴۰ درصد ظرفیت خود کار می کنند...» بحران اقتصادی فزاینده که در پی سقوط قیمت نفت در بازار جهانی، میهن ما را در کام خود فرو برده، بیش از پیش زندگی و امنیت شغلی طبقه کارگر را بادشواری های خارق العاده روبرو ساخته است!

سیاست ضد کارگری رژیم «ولایت فقیه»، مبتنی بر خصوصی سازی مراکز تولیدی و صنعتی، که با «تعدیل نیروی انسانی» همراه است، در کنار ورشکستگی و رکود کارخانه ها، منجر به بیکاری هزاران کارگر میهن ما و نیز عدم پرداخت دستمزد کارگران شاغل گردیده است. این وضعیت ناگوار، موج نیرومندی از نارضایتی و مقاومت و مبارزه را در میان کارگران و زحمتکشان پدید آورده است.

در اواخر اسفندماه سال گذشته و اوایل فروردین ماه سال جاری، کارگران دو کارخانه در بهشهر، در استان مازندران دست به اعتصاب زدند. روزنامه کار و کارگر در گزارشی با عنوان «اعتراض از کارخانه تا کنار جاده»، خبر اعتصاب و راه پیمایی کارگران چیت سازی بهشهر را منعکس ساخت. کارگران قهرمان چیت سازی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و نیز اخراج گروهی از کارگران توسط بخش خصوصی و بنیاد مستضعفان، اعتصاب برنامه ریزی شده ای را برپا کردند. کارگران ضمن تعطیلی کارخانه و تولید، به راه پیمایی پرداختند و جاده اصلی ساری - گرگان را برای چند ساعت مسدود ساختند. کارگران اعتصابی بیش از سه ماه دستمزد و نیز عیدی دریافت نکرده اند. نماینده کارگران گفته است: «بنیاد مستضعفان و کارفرمای بخش خصوصی، که صاحبان کارخانه چیت سازی بهشهر هستند، برای اینکه بطور غیر قانونی از وام دولتی استفاده کنند، ۶۰۰ کارگر جدید استخدام کردند، در حالیکه توانایی پرداخت دستمزد ۱۰۰۰ کارگر قبلی را هم نداشتند. کارفرمای بخش خصوصی حتی بعلت کلاهبرداری بازداشت گردید، اما زود آزاد شد و سپس به توطئه علیه کارگران پرداخت. تا به امروز وضعیت ما روشن نیست. در آستانه عید سه ماه حقوق نگرفته ایم، خانواده های ما در انتظار هستند.» علاوه بر این، کارگران مبارز کارخانه نئویان بهشهر نیز در اعتراض به عدم پرداخت بموقع دستمزدها، پایین بودن سطح دستمزدها و نیز خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، دست از کار کشیده و در همبستگی با کارگران چیت سازی، در محوطه کارخانه گرد آمدند. کارگران معترض کارخانه نئویان اعلام کرده اند که اگر بسرعت به خواست های آنها پاسخ داده نشود، ضمن اعتصاب و راه پیمایی، مانند کارگران چیت سازی، جاده های اصلی شهر را مسدود خواهند کرد. از سوی دیگر، همزمان در منطقه اسلام شهر در استان تهران، بازنشستگان و مستمری بگیران در اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوق بازنشستگی دست به راه پیمایی زدند و در برابر اداره کل پست این شهرستان، گردهمایی اعتراضی تشکیل دادند. این حرکت زحمتکشان بازنشسته و مستمری بگیر، با حمایت وسیع مردم شهرستان اسلام شهر، روبرو شد.

در اواخر اسفندماه سال گذشته، صدها تن از کارگران شرکت فرآورده های ساختمانی، واقع در بزرگراه تهران-قزوین، در اعتراض به عدم پرداخت بموقع دستمزدها و عدم دریافت عیدی و پاداش، اعتصابی یکپارچه را برگزار کردند. به گزارش مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی، نزدیک به ۵۰۰ تا ۷۰۰ کارگر اعتصابی این کارخانه، بطور همزمان، تولید را متوقف و در محوطه تجمع کردند. این اعتصاب به دلیل سازماندهی، بسیار برجسته و پراهمیت است. کارگران اخطار کرده اند در صورت بی توجهی به خواست هایشان در بزرگراه تهران - قزوین راه پیمایی و تحصن خواهند کرد.

دو اعتصاب پراهمیت در اوایل سال جاری در شرکت نئویان شوشتر، در استان خوزستان، و شرکت شفارود در شهر تالش، در استان گیلان، رخ داد.

ادامه در صفحه ۵

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

اجلاس مهم بین المللی احزاب کمونستی و کارگری به مناسبت یکصد و پنجاهمین سالگرد انتشار مانیفست



مارکس نه فقط بی عدالتی به تاریخ و علم است، بلکه همچنین توسعه و غنای نظریه علمی سوسیالیسم را در شرایط کنونی، مشکل تر می کند. « رفیق پاپاریگا یادآور شد که مارکس و انگلس در صد و پنجاه سال قبل، در مانیفست متذکر شده بودند که بورژوازی نمی تواند بدون انقلابی کردن دائمی ابزار تولید، یا به زبان دیگر روابط تولیدی، یعنی همه روابط اجتماعی، به موجودیت خود ادامه دهد. « با استعمار بازار جهانی، بورژوازی، تولید و مصرف در همه کشورها را در مقیاسی جهانی شکل می دهد.»

یکی از محورهای اصلی بحث کنفرانس آتن، انترناسیونالیسم پرولتری در شرایط ویژه و نوین جهان بود. علاوه بر بخش مهمی از سخنرانی نماینده حزبمان که به این موضوع اختصاص داشت، احزاب کمونیست کوبا، پرتغال، یونان و استرالیا به تفصیل در این باره توضیح دادند. نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا اظهار داشت که: « وضعیت نوینی در سطح بین المللی در حال ایجاد است که نیازمند تحلیل و بررسی دقیق است. این وضعیت مشخصه های بی نهایت پیچیده دارد. در قریبی که در حال پایان یافتن است چهار دوره مشخص وجود داشته است. « رفیق کوبایی با اشاره به ایجاد امپریالیسم مالی که توسط نلین مورد تحلیل قرار گرفت بعنوان دوره اول، شروع بحران روابط تولیدی سرمایه داری در مرحله رشد فوق العاده نیروهای مولده، و نیاز نیروهای امپریالیستی به تقسیم دوباره جهان که منجر به جنگ اول جهانی شد را دوره دوم، جنگ دوم جهانی، پیروزی بر فاشیسم و سقوط مستعمرات و پیروزی انقلابات رهایی بخش در چین، ویتنام، کره و کوبا را بعنوان مرحله سوم، و دوران حاضر را با مشخصه شکست سوسیالیسم در اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی رانمرحله چهارم معرفی کرد. نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا، طی سخنرانی مبسوط خود از ادامه مبارزه طبقاتی، البته با مظاهر متفاوت، در شرایط کنونی سخن گفت و «فرمول طبقه بر ضد طبقه» را محدود کننده قلمداد کرد و گفت که اعتراض های نیروهای پرولتاریایی و غیر پرولتاریایی به هم گره خورده است. رفیق کوبایی لزوم انعکاس یافتن اشکال متنوع مبارزه اقشار مختلف مردم در تعریف مشخصه های انترناسیونالیسم جدید را مورد تأکید قرار داد.

یکی از موارد بحث و مذاقه احزاب شرکت کننده در کنفرانس، بررسی جوانب گوناگون تضاد میان امکانات جدید و ماهیتاً راه گشایی که توسط فن آوری (تکنولوژی) نوین مطرح کرده، و بهره جویی سرمایه داری از این فن آوری نوین برضد حقوق مردم، حق آنان به زندگی و نیازهای آنان، بود. احزاب برادر معتقد بودند که این تحولات و وظایف بفرنج و جدیدی را نه فقط در برابر احزاب کمونیست، بلکه رویاروی طیف وسیع نیروهای مخالف سیاست های محافظه کارانه جدید و انتخاب های سرمایه بین المللی می نهد یکی از موضوع های مشترک اکثریت سخنرانی های ایراد شده، ماهیت و

کنفرانس با اهمیت احزاب کمونیستی و کارگری جهان، با شرکت پنجاه و هفت حزب و سازمان سیاسی از پنجاه کشور از پنج قاره جهان، به ابتکار و میزبانی حزب کمونیست یونان، از اول تا چهارم خرداد در آتن برگزار شد. این کنفرانس در چارچوب مراسم بین المللی بمناسبت یکصد و پنجاهمین سالگرد انتشار اثر جاودانه آموزگاران کبیر جنبش کارگری، مارکس و انگلس، یعنی مانیفست حزب کمونیست برگزار می شد و موضوع آن «احزاب کمونیست در شرایط امروزی جهان»، اعلام گردیده بود. احزاب شرکت کننده در این کنفرانس همچنین در جشن هشتادمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست یونان، شرکت جستند.

به دعوت حزب برادر، هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در این کنفرانس شرکت فعال داشت. نماینده کمیته مرکزی حزبمان که از سخنرانان اصلی کنفرانس بود، در طول اقامت خود در یونان، همچنین با نمایندگان کمونیست پارلمان یونان و خبرنگاران مطبوعات مترقی این کشور ملاقات و آنان را در جریان رخداد های میهن مان، شرایط جنبش مردمی و نیروهای اپوزیسیون و شعار های تاکتیکی و استراتژیکی حزب، قرار داد. متن خلاصه شده سخنرانی هیأت نمایندگی رهبری حزب توده ایران در کنفرانس، در همین شماره «نامه مردم»، منتشر شده است. نماینده حزب توده ایران ملاقات های دو جانبه سودمندی را با نمایندگان احزاب برادر از کشورهای عراق، ترکیه، یونان، سوریه، ایالات متحده آمریکا، اردن، استرالیا، سودان، هندو تاجیکستان، انجام داد. در جریان این دیدارها، بفرنجی اوضاع متحول ایران و لزوم حمایت بین المللی از زحمتکشان میهن ما در مبارزه حساس آنان در تحقق آزادی های مدنی و سیاسی و برضد رژیم واپسگرای «ولایت فقیه»، توضیح داده شد.

کنفرانس در محل آمفی تئاتر با شکوه اداره مرکزی حزب کمونیست یونان، با سخنرانی رفیق آلکا پاپاریگا، دبیر کل حزب برادر، آغاز گردید. رفیق پاپاریگا با ارائه تحلیلی همه جانبه از ترهای مانیفست، ضمن اشاره به اینکه یکصد و پنجاه سال از انتشار اولین چاپ مانیفست حزب کمونیست می گذرد، خاطر نشان کرد که ایده های اساسی ابراز شده در مانیفست در ارتباط با قوانین جنبش اجتماعی، موضوعیت خود را حفظ کرده اند. رهبر حزب برادر، ضمن تأیید لزوم اهمیت دادن به مبارزه در سطح ملی، و تذکر اینکه جهانی شدن سرمایه لزوم «بین المللی شدن مبارزه طبقاتی» را از همیشه ضروری تر می کند، خاطر نشان ساخت که یک مانع در مقابل انترناسیونالیسم موثر و کارا، «تفاوت های جدی ایدئولوژیک و سیاسی بین احزاب کمونیست» است. رفیق پاپاریگا گفت: بررغم ضروری بودن ادامه بحث و گفتگو «در شرایط برابری رفیقانه» در باره تفاوت های ایدئولوژیک احزاب کمونیستی و کارگری باید کوشش کرد که در ارتباط با بسیاری سیاست ها و فعالیت ها، که بر سر آن ها توافق وجود دارد، کار مشترک صورت گیرد.

بخش عمده وقت کنفرانس به ارائه تحلیل احزاب حاضر در جلسه در باره شرایط کنونی جهان، توازن نیروها در مقابله بین سرمایه داری جهانی و نیروهای طرفدار سوسیالیسم، و نظر آنان در ارتباط با اشکال مشخص فعالیت مشترک برای پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی، تخصیص یافته بود. تجربه کنفرانس بار دیگر نشان داد که مطالعه تضاد های جامعه سرمایه داری، رشد عظیم توان اقتصادی، سیاسی، نظامی سرمایه مالی و شرکت های فراملیتی، و تهاجم همه جانبه بر حقوق پایه ای اجتماعی و دموکراتیک، همانگونه که مارکس و انگلس اثبات کردند، طریقی ممکن و مثمر ثمر برای یافتن بهترین راه مبارزه برضد سرمایه داری است. نظر غالب در کنفرانس، از نیاز به توسعه و کاربرد خلاق مارکسیسم در شرایط حاضر، دفاع می کرد.

این نظر مطرح می کرد که مارکسیسم ذاتاً ضد جزم اندیشی (دگماتیسم) بوده، و علم خلاق است که قابلیت درک گرایش ها در توسعه جامعه و شیوه ها و ابزار تولید را دارد. رفیق پاپاریگا در سخنرانی خود متذکر شد که «برخورد جزمی به

ادامه اجلاس مهم احزاب کمونیستی...

مشخصه های پدیده جهانی شدن سرمایه و راه های مقابله با آن بود. احزاب شرکت کننده در کنفرانس معتقد بودند که ایجاد و رشد سریع ساختارهای بین المللی نظیر «گروه ۸» کشور قدرتمند جهان، ناتو، سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، و سیاستهای ارتجاعی ای که تحت عنوان «جهانی شدن و کاهش دستمزدها» در سال های اخیر مطرح بوده اند، به تروتمند تر شدن اغنیا و فقر بیشتر مستمندان منجر شده، و میلیارد ها تن از مردم جهان را به فقر، جهل، بیماری، گرسنگی و عدم توسعه محکوم ساخته، درجه بهره کشی از طبقه کارگر را بالا برده و بحران زیستبومی (اکولوژیک) را وخیم تر کرده است.

بسیاری از سخنرانان کنفرانس، خطراتی را که به دلیل قدرت یافتن پیمان تجاوزگر ناتو متوجه صلح و امنیت جهان شده است، مورد توجه قرار داده و از نظامی شدن روابط بین المللی، جنگ های منطقه ای، مداخله قدرت های خارجی در امور کشورهای مستقل، و توسعه یافتن بنیادگرایی مذهبی و نژاد پرستی و شونیسیم اظهار نگرانی کردند. نمایندگان همه احزاب حاضر، در سخنرانی های خود در جریان کنفرانس، نمایندگان حاضر احزاب برادر را در جریان تحولات و فعالیت های خود گذاردند. تعدادی از احزاب، نگرانی خود را در مورد ادامه ممنوعیت، تعقیب و تبعیض پرضد احزاب کمونیست، کمونیست ها، و اساساً پرضد همه آن هایی که با بربریت سرمایه داری مخالفند، ابراز کردند.

احزاب متعددی در مورد موضوعیت شعار کلیدی مانیفست یعنی «کارگران همه کشورها متحد شوید»، سخن گفته و معتقد بودند که در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگری ضرورت ایجاد می کند که کمونیست ها مسایل موجود پیرامون هویت ایدئولوژیک و سیاسی و فعالیت های هماهنگ و برنامه ریزی شده را بطور مشترک حل کنند. در طول اجلاس، تبادل نظر در باره تعدادی ابتکارات جدید نظیر کارزار برای بخش وسیع مانیفست، تقویت بیشتر همبستگی با مردم کوبا، جمهوری دموکراتیک خلق کره، فلسطین و همه خلق هایی که در مقابل تحریم های امپریالیستی مقاومت می کنند، سازماندهی یک اجلاس جدید احزاب کمونیست کارگری به هدف همفکری برای مبارزه مشترک با «(MAI)، ابتکار عمل در مقابله با «ناتوی جدید»، انجام گرفت. نظر عمومی بر این بود که مادامیکه وحدت نظری در حال حاضر در دستور کار قرار ندارد، تمایل ما به حصول آن نمی باید سدی در مقابل وحدت حول اموری که در حال حاضر ممکن و مطلوب اند ایجاد کند. کنفرانس پس از سه روز کار ثمر بخش، در روز ۳ خردادماه با خواندن سرود انترناسیونال پایان پذیرفت.

ادامه درود آتشین به کارگران مبارز ایرانی...

کارگران شرکت ثنویان شوشتر با سازماندهی شایان تحسین و بطور یکپارچه اعتصاب بزرگی را برپا کردند. خواست های این کارگران روشن و صریح بود. اعتراض به افزایش ۱۸/۵ درصدی دستمزدها در سال ۱۳۷۷ و خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و ایجاد شکل مستقل صنفی در کارخانه. همان گونه که اشاره شد، سطح سازماندهی عالی این اعتصاب ستایش برانگیز بود. کارکنان شرکت شفا رود، در شهرستان تالش نیز اعتصابی را راه انداختند که نشانه آشکار رشد سازماندهی و آگاهی طبقاتی طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی مبارزه است. کارگران قهرمان شرکت شفا رود در سر ساعت معین و با برنامه ریزی دقیق همگی دست از کار کشیدند و به عدم افزایش سطح دستمزدها، مطابق با نرخ تورم، و مسئله مالیات ها، اعتراض کردند. اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از دیگر خواست های کارگران بود. کارگران اعتصابی با قاطعیت از مذاکره با نماینده انجمن اسلامی خودداری کردند. شیوه قاطع و همبستگی درخشان کارگران سبب شد که فرماندار شهرستان و نیز مسئول اداره کار استان، طرف مذاکره با آنها قرار گیرند. در این اعتصاب همبستگی، همیاری و اتحاد عمل کارگران اعتصابی رژیم را وادار به عقب نشینی کرد. این اعتصاب در شهرستان تالش بازتاب گسترده یافت و مردم با آن همدردی و حمایت کردند. در معدن سنگ کلاردشت نیز بین کارگران و مسئولین شرکت متروی تهران، که صاحب اصلی معدن محسوب می شود، اختلاف و تنش جدی پدید شد. سهامداران اصلی شرکت مترو تهران خانواده رفسنجانی هستند. کارگران معدن سنگ در اعتراض به اعلام ورشکستگی این معدن اعتصاب کردند. شرکت متروی تهران جندی پیش این معدن سنگ پر ارزش و گران قیمت را ورشکسته اعلام کرد و بیش از ۱۰۰ معدنکار را بدون پرداخت حقوق آنان، اخراج کرد.

در فروردین ماه امسال، اعتصاب سازمان یافته کارگران ذوب فلزات یزد، بازتاب گسترده در جامعه یافت. روزنامه «ایران»، چاپ تهران، در گزارشی از این حرکت کارگران نوشت: «کارگران کارخانه ذوب فلزات یزد به علت عدم دریافت بموقع حقوق و مزایا اعتصاب کردند. این کارگران بیش از ۲ ماه است حقوق نگرفته اند» کارگران اعتصابی ذوب فلزات یزد تهدید کردند در صورت لزوم در شهر یزد راه پیمایی خواهند کرد. در استان ایلام نیز حرکت های کارگری واکنش و هراس مسئولین رژیم را برانگیخت. کارگران شهرداری شهر ایلام در اعتراض به اخراج کارگران و پایین بودن سطح دستمزدها، دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. این اعتصاب مورد حمایت جوانان شهر ایلام واقع شد. کارگران کارخانه جوراب آسیا نیز، در اعتراض به مصوبه شورای عالی کار مبنی بر افزایش ۱۸/۵ درصدی دستمزدها در سال ۱۳۷۷، متحداً اعتصاب کردند.

روزنامه اطلاعات بین المللی، ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۷۷، در باره این اعتصاب از جمله نوشت: «کارگران کارخانه جوراب آسیا به دلیل تغییر پی در پی مدیریت و پایین بودن حقوق خود ۲ روز است که دست به اعتصاب غذا زده اند». نماینده کارگران اعتصابی متذکر شد که: «این کارخانه زیر پوشش بنیاد مستضعفان قرار دارد. مسئولین این بنیاد مواد اولیه به کارخانه وارد نمی کنند و به همین دلیل کارخانه از کار افتاده است. شگرد بنیاد مستضعفان این است که کارخانه را ورشکسته اعلام کرده و به بستگان و آشنایان مسئولین این بنیاد بنام خصوصی سازی، کارخانه را واگذار کند.» خواست مشخص کارگران کارخانه جوراب آسیا عبارتند از: خارج کردن کارخانه از زیر پوشش بنیاد مستضعفان، توقف روند خصوصی سازی، افزایش دستمزدها کارگران، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و ایجاد تشکل واقعی و مستقل صنفی کارگران. این اعتصاب بدلیل مبارزه قاطع، همبستگی کارگران و سطح سازماندهی از نمونه های عالی و درخشان مبارزات طبقه کارگر در ماه های اخیر است!

در استان گیلان، در دو شهر رشت و بندرانزلی، حرکت های متعدد کارگری صورت گرفته است. در شهر رشت کارگران دو کارخانه در همبستگی با یکدیگر دست به اعتصاب زدند. کارگران مبارز کارخانه بتوسازی رشت با راه پیمایی خود جاده رشت-فومن و رشت-بندرانزلی را مسدود کردند. در بندرانزلی، کارگران کارخانه جوراب گیلان، با خواست های مشابهی با کارگران کارخانه رشت، اعتصاب کردند، اعتصاب کارگران در بندرانزلی با حمایت جدی مردم روبرو شد. در شهرستان کاشان نیز، کارگران کارخانه فرش کاشان در برابر درب کارخانه دست به تحصن زدند. این کارخانه چندی پیش تحت عنوان ورشکستگی تعطیل شد و کلیه کارگران آن بیکار شدند. کارگران ضمن تحصن با امضاء طوماری خواستار بازگشایی کارخانه شدند و تعطیلی آنرا توطئه کارفرمایان قلمداد کردند. کارخانه پارس کمپرسور شیراز که از مهمترین واحدهای تولیدی استان فارس به شمار می آید. به دلیل مشکل مالی در معرض تعطیلی کامل قرار گرفته است. ارزش این کارخانه بیش از ۲۰ میلیارد تومان برآورد می شود. کارگران پارس کمپرسور اعلام کرده اند که به اعتصاب نامحدود و راه پیمایی در جلوی اداره کل کار شهر شیراز مبادرت خواهند ورزید. مدیریت کارخانه پارس کمپرسور اعلام کرده است با توجه به رکود تولید و تعطیلی کارخانه، کلیه کارگران آن اخراج خواهند شد.

کارکنان گمرک بندرعباس نیز دست به حرکتی اعتراضی زدند. مشخص شدن وضعیت حقوق از خواست های اصلی کارکنان گمرک بندرعباس است. آنچه بطور فشرده به آن اشاره رفت، نمایانگر گسترش باز هم بیشتر جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان در سال جاری است. نکته برجسته در اعتصاب های اخیر، رشد آگاهی و ارتقاء روحیه مقاومت و مبارزه در میان کارگران است. شیوه مسدود ساختن جاده ها، گردهمایی و تحصن نشانه رشد کیفی جنبش و درک روشن کارگران از دوران کنونی مبارزه در راه طرد رژیم «ولایت فقیه» است. اعتصاب های اخیر و بکارگیری روش های نوین و ابداعی کارگران، نشانگر هوشیاری و سطح بالای آگاهی و آمادگی مبارزاتی طبقه کارگر ایران است.

طبقه کارگر ایران به تجربه و با توجه به آگاهی طبقاتی خود نیک می داند که درچارچوب رژیم «ولایت فقیه» نمی توان به تحولات بنیادین در راه استقرار عدالت اجتماعی، جامعه مدنی و آزادی امیدوار بود. با چنین درک روشنی است که مبارزه کارگران و زحمتکشان میهن ما، با وجود ترفندها و مانورهای رژیم، همچنان ادامه یافته و هر روز ابعاد گسترده تری بخود می گیرد.

ادامه برکناری عبدالله نوری...

گروه های غیر قانونی و آشوب طلب که موجب ناامنی هستند؟ چرا برخی اجتماعات خاص به آشوب کشیده نمی شود اما هرگاه سایر گروه ها در صدد طرح خواسته های قانونی خود بر می آیند از سوی عده ای خاص مورد تهاجم قرار می گیرند؟ آیا ایجاد تنش و تشنج در نمازهای جمعه تهران و اصفهان ارتباطی به صدور مجوز وزارت کشور داشته است؟» و در انتها، در پاسخ به اینکه چرا وزارت کشور برای برگزاری این اجتماعات مجوز صادر کرده است، می افزاید: «این سؤال مانند این است که بپرسیم چرا وزارت بازرگانی در صدد تهیه ارزاق مردم است؟ اگر نان برای مردم ما مهم است آزادی هم مهم است... در جامعه افرادی هستند که موفقیت دولت، مطلوب آنها نیست و چه بسا برای عدم موفقیت آن به هرکاری دست بزنند و همگان باید نسبت به اعمال این دسته که در نهایت نتیجه ای جز تضعیف نظام اسلامی ندارد، هوشیار باشند و با آن مقابله کنند...»

برکناری عبدالله نوری از وزارت کشور، بی شک ضربه مهمی به دولت خاتمی است و باید منتظر بود که در پی محاکمه و احتمال بسیار قوی محکومیت و برکناری کرباسچی از شهرداری تهران، و برکناری عبدالله نوری، نوبت به دیگران، از جمله مهاجرانی سخنگوی دولت و وزیر ارشاد اسلامی، نیز برسد. هدف نیروهای ارتجاعی و مدافعان «دوب در ولایت فقیه» از این حرکت های بسیار حساب شده، روشن است: فلج کردن کامل دولت خاتمی، تشدید بحران و سرانجام ایجاد زمینه برای سقوط آن. تجربه یکسال گذشته نشان داده است که انحصار طلبان، و طرفداران سرسخت رژیم «ولایت فقیه»، که باید آنان را «طالبان» ایران خواند، توانسته اند با اتکاء به اهرم های «قانونی»، از جمله مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه، و مهمتر از همه اتکاء به «ولی فقیه»، در لحظات حساس، جلو هرگونه تحول و یا رفرمی را، هرچند سطحی، سد کنند و اجازه ندهند هیچ گامی در راستای تحقق خواست های مردم برای استقرار جامعه مدنی، آزادی و عدالت اجتماعی برداشته شود. حزب توده ایران از همان آغاز حرکت تاریخی دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، همواره بر این نکته تأکید کرده است، که نیروهای ارتجاعی، تاریک اندیش و مدافعان ادامه استبداد و «دوب در ولایت»، تمام اهرم ها و امکانات خود را بکار خواهند گرفت تا از هر حرکتی در جهت تحقق خواست های مردمی جلوگیری کنند. یورش دسته های چاقو کش و مزدور «انصار حزب الله»، که بخش جدایی ناپذیری از ارگان های سرکوبگر رژیم هستند، به شکل ها و تجمع های مردم، دانشجویان و زنان، در کنار اقدامات قوه قضائیه، و در هفته های اخیر تهدیدهای فرمانده سپاه پاسداران، به سرکوب خونین جنبش مردمی، به اشاره «ولی فقیه»، تبلور روشنی از اعمال، حرکات و برنامه های نیروهای واپسگرا برای حفظ رژیم ضد مردمی حاکم است.

با برکناری عبدالله نوری، دولت خاتمی، بار دیگر با بحران جدی سیاسی روبرو است که ریشه های آن در ساختار قرون وسطایی و ضد مردمی قدرت سیاسی حاکم بر میهن ما نهفته است. ما بارها گفته ایم و تکرار آنرا ضرور می دانیم که در چارچوب ادامه حاکمیت رژیم «ولایت فقیه»، نمی توان به تحقق خواست های مردمی، از جمله استقرار جامعه مدنی، آزادی و عدالت اجتماعی امیدوار بود. این ساختار که ماهیتاً در تضاد آشتی ناپذیری با مقولات آزادی و مدنیت قرار دارد، بنابه سرشت خود، نمی تواند اجازه دهد با تحقق چنین خواست هایی زمینه برپا برای نفی و طرد آن فراهم آید. آقای خاتمی، از فردای انتخاب خود اصل را حرکت در چارچوب رژیم «ولایت فقیه» قرار داد و اجرای برنامه های دولتش را در چنین چارچوبی طلب کرد، ولی تجربه یکسال گذشته اثبات کرده است، که این برداشت نادرست و غیر واقع بینانه بوده است. حرکت در چارچوب رژیم «ولایت فقیه» نتیجه ای جز فاجعه کنونی نداشته و ندارد. قبول حاکمیت رژیم «ولایت فقیه» چیزی جز قبول استبداد، آزادی کُشی، انحصار، واپسگرایی، ظلم و بی عدالتی نیست. حرکت تاریخی توده بیست میلیونی در دوم خرداد ۱۳۷۶، با چنین درکی، نامزد انتخاباتی «ولی فقیه» را طرد کرد، و خواهان ایجاد تغییرات بنیادین در اوضاع کشور شد. ارتجاعیون، مدافعان استبداد و طرفداران پیاده کردن حکومت «طالبان» در ایران، با برکناری عبدالله نوری، پیام روشنی به دولت خاتمی داده اند: تعدیل برنامه های سیاسی و تسلیم در مقابل خواست های ما.

حزب توده ایران، در ماههای اخیر، بکرات در مورد خطر جدی نیروهای ارتجاعی و برنامه آنان برای سرکوب جنبش مردمی، هشدار داده و متذکر شده است که تنها با اتکاء به نیروی مردمی است که می توان به حرکت به سمت تحقق جامعه مدنی، آزادی و عدالت اجتماعی امیدوار بود. امروز، سازماندهی، انسجام بخشی و هدایت جنبش همگانی خلق، از حرکت های اعتراضی کارگران تا جنبش دانشجویی، در مقابله با استبداد و ارتجاع، یگانه راه، در حرکت به سمت تحولات بنیادین و دموکراتیک در کشور ماست. از رژیم «ولایت فقیه» نمی توان جز استبداد قرون وسطایی و «گردن زدن و زبان بریدن» آزاد اندیشان، انتظار دیگری داشت. پیروزی در مبارزه برای دستیابی به آزادی، عدالت اجتماعی و جامعه مدنی، تنها با سازماندهی جنبش مستقل توده ها برای طرد رژیم «ولایت فقیه»، ممکن است.

ادامه فرازهایی از سخنرانی نماینده کمیته مرکزی...

دروغینی است که تمایل به استقلال ملی و خودگردانی را با هویت منطقه ای، قبیله ای و یا بنیادگرایی مذهبی، مخلوط می کند. چنین پدیده ای به طور فزاینده ای برای امپریالیسم بهانه ایجاد می کند و حتی به سلطه جویی و مداخله جویی آن مشروعیت می بخشد. دوم - جهان وطنی جدیدی که دو مرکز توجه متضاد دارد. ارجحیت فرد در تعیین آزادی های سیاسی، در حالیکه به ساختار های توده ای بی اهمیت کم بها داده می شود، به شکل گیری جامعه «من قبل از هر چیز» به مثابه شالوده تمدن نوین، منجر می گردد. به موازات این مفهوم، جهانی شدن اقتصاد که در بر دارنده تضعیف ساختار های ملی و قدرت دولتی است رایج می گردد. این واقعیت های جدید چپ را به بزرگترین مصاف جویی، از زمان انتشار مانیفست حزب کمونیست ملزم می سازد... گرچه شرایط نسبت به سال ۱۸۴۸ بطور بارزی تغییر کرده است، کلید دستیابی به ترقی هنوز هم انترناسیونالیسم است و نه ناسیونالیسم، و یا حتی بدتر از آن جهان وطنی که اکنون مد شده است... احزاب کمونیست از نظر مقابله با این شرایط، درموقعیت خوبی قرار دارند. انترناسیونالیسم نقش مرکزی در عملکرد کمونیست ها ایفا کرده، و در واقع برخی از موفقیت های آنان زمانی حاصل شده که فعالیت بین المللی در مرکز عمل و فعالیت هایشان قرار داشته است... ما به یک انترناسیونالیسم جدید نیرو های چپ نیاز داریم. یکی از مشخصه های اصلی این انترناسیونالیسم جدید اینست که در کنار شمول کارگران و مردم ستمدیده در سراسر پنج قاره که سرمایه داری را به عنوان دشمن می شناسند و منافع مشترکی دارند، همچنین در برگیرنده تمامی نیروهای باشد که بر ضد استثمار و سرکوب مبارزه می کنند. این انترناسیونالیسم نه فقط طبقه کارگر و کارگران را، بلکه نیروهای اجتماعی و سیاسی ای که برای آزادی، دموکراسی، ترقی اجتماعی، استقلال ملی و سوسیالیسم مبارزه می کنند نیز باید در بر داشته باشد. چنین تعریف جدیدی نباید به کنار گذاشتن ماهیت ضروری اقتصادی و اجتماعی ای که اساس انترناسیونالیسم کمونیستی است، منجر بشود. این تعریف جدید نباید ماهیت طبقاتی انترناسیونالیسم را که به لحاظ اهداف و آماج خود عمیقاً ضد سرمایه داری است، نباید نفی کند.

انترناسیونالیسم جدید، مانند سلف خود، بر پایه عامل های مشترکی که منافع مردم زحمتکش را در درون و بیرون مرز ها یکپارچه می کند، باید ساخته شود. اما همچنین باید قبول کرد که نوسازی دراز مدت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه ای به میزان بالایی به همکاری بین المللی بستگی دارد... این بدان مفهوم نیست که ارجحیت های ملی و انترناسیونالیستی احزاب کمونیستی - کارگری در مقابل هم قرار می گیرند، بلکه رابطه ای روشن و نیرومندی میان این ایجاد گردد. جنبش بین المللی قادر به مقاومت در مقابل «نظم نوین جهانی»، نمی تواند بدون وجود احزاب کارگری و کمونیستی که برای تغییر اجتماعی و ساختمان یک جامعه نوین فارق از سرمایه داری در درون مرز های کشور خود مبارزه می کنند، ایجاد گردد... آنچه ما در اینجا مورد بحث قرار می دهیم این است که اگر وجود احزاب انقلابی طبقه کارگر ضروری است، همکاری بین المللی آنان نیز ضروری است. زندگی درونی احزاب ما، مبارزه ما در درون جوامع ما و وظایف انترناسیونالیستی ما نباید در تضاد با همدیگر قرار گیرند. آن ها باید مکمل همدیگر باشند.

آینده به سوسیالیسم تعلق دارد! ما نیرو های آینده هستیم! اکنون زمان آن فرا رسیده است که پس از صد و پنجاه سال، شعار مارکسیستی «کارگران همه کشور ها متحد شوید» را نوسازی کرده و بر فراز جنبش به اهتزاز در آوریم.»

فراز هایی از سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، در کنفرانس بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری آتن، خرداد ماه ۱۳۷۷

«حوادثی که از سال ۱۹۸۵ به این سو رخ داده اند، و شکست در ساختمان سوسیالیسم در اروپای شرقی، بدون شک تأثیرات مهمی را در حیات و مبارزه احزاب کارگری و کمونیستی بر جای گذاشته اند. ما در عین اینکه تمامی ارزیابی های غیر علمی و شکست جویانه را که پیرامون تأثیر این رخداد ها غلو می کنند و در صددند عقلایی بودن مبارزه ما را برای تغییرات سوسیالیستی واقعی زیر علامت شوال ببرند، رد می کنیم، نمی توانیم اثرات این حوادث را بر مبارزه و شیوه سازماندهی مان نادیده بگیریم. در آستانه هزاره سوم، ما به بازاندیشی و تفکر در باره تغییرات در موازنه نیروهای جهانی، اثر تهاجم ایدئولوژیک - تبلیغاتی سرمایه داری بر طبقه کارگر و مخصوصاً مبارزاتی که در طول قرن بیستم برای ساختمان سوسیالیسم در جهانی عمیقاً دو پارچه شده انجام گردید، نیازمند هستیم. در مطلب حاضر سعی ما بر پرداختن به تمام این موضوعات نیست، بلکه کوشش کرده ایم که بر برخی مسایل اصلی که تأثیری عمده بر مبارزه ما دارند توجهمان را متمرکز سازیم... فروپاشی اتحاد شوروی و شکست نظام های سوسیالیستی در دیگر کشورهای اروپای شرقی، منجر به تغییر موازنه نیروها به نفع سرمایه داری جهانی شده است. این تحولات نه تنها هیچ تغییری در ذات استثمارگر، سرکوبگر و تجاوزگر سرمایه داری نداده است، بلکه بر عکس آن را برجسته تر کرده و در انظار میلیون ها انسان آنرا بیش از پیش افشاء ساخته است. این بدان معناست که امپریالیسم، از اوایل دهه ۱۹۹۰ از موقعیت ویژه ای در شکل دادن به تحولات سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و علمی جهان برخوردار شده است. هدف امپریالیسم آمریکا تلاش برای تحمیل سروری (هژمونی) جهانی خود در سیاست، اقتصاد، امور نظامی و فرهنگ بوده است. توسعه ناتو به عنوان یک پیمان نظامی و تجاوزگر، چون حربه ای برای حفظ برتری سرمایه داری جهانی و حضور نظامی امپریالیسم در مناطق حساس و «نقاط داغ» استراتژیک، مورد استفاده قرار گرفته است. در اوضاع کنونی جهان، امپریالیسم از صندوق بین المللی پول و بانک جهانی همچون ابزاری برای از بین بردن هر گونه امکان رشد مستقل و سوسیالیستی بهره جسته است. در زیر پوشش اقدامات تعدیل ساختاری و اقتصادی، صندوق بین المللی پول نسخه کاهش بودجه مصرف عمومی را، و خصوصاً کردن عرصه های اقتصاد، در کنار برچیدن اساساً هر گونه مانعی از سر راه فعالیت سرمایه خارجی، تجویز می کند. کاهش سرمایه گذاری در بخش عمومی، به فرسایش امکانات در نظام های آموزشی، بهداشت و تامین اجتماعی منجر شده است. در نتیجه جوامع فقیر، فقیرتر و ناتوان تر شده اند. خصوصی کردن بخش های عمده اقتصاد، در کنار سیاست در های باز اقتصادی، کشورهای جهان سوم را در مقابل انحصارهای فراملی که صنایع ملی را می بلعند، و روند تصمیم گیری و نظارت را از دسترس مردم دورتر می کنند ناتوان و عاجز به حال خود رها می کند. سرمایه داری مصمم است که نظارت کامل خود را بر اقتصاد جهان اعمال کند، و هر گونه ساختار مترقی، و یا دستاورد های طبقه کارگر را که در سال های مبارزه حاصل شده است، نابود کند. در دو سال اخیر، ۲۹ کشور ثروتمند عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) مخفیانه در صدد تنظیم موافقتنامه ای بوده اند که سرمایه گذاری خارجی توسط کمپانی های فراملی را تسهیل می کند. بر اساس مفاد « موافقتنامه چند جانبه در مورد سرمایه گذاری (MAI)»، هیچ دولتی مجاز به قانونگذاری به نفع صنایع داخلی و یا تولیدکنندگان ملی نخواهد بود... این موافقتنامه به انحصارهای فراملی برای از میان برداشتن نظارت بر سرمایه گذاری، خودگردانی ملی و ساختار

های دموکراتیکی که مانع سودبری محسوب می شوند، کمک خواهد کرد... « موافقتنامه چند جانبه در مورد سرمایه گذاری » نتیجه طبیعی اعمال سیاست های نولیبرالی در جهان است. این موافقتنامه توسط همان نیروهای تدوین و اعمال می شود که مجدانه از گات، نفتا و وحدت مالی اروپا حمایت می کنند. « جهانی شدن»، که این همه در مورد آن صحبت می شود، چیزی جز یک اسم رمز نولیبرالی برای اقتصاد جهانی نیست که با خصوصی سازی، از بین بردن نظارت ها و «لیبرالیزاسیون» اقتصادی شکل می گیرد... در کوشش برای غیرقابل بازگشت ساختن وضعیت، امپریالیسم منابع عظیمی را به نظارت بر و شکل دادن به تفکر مردم زحمتکش اختصاص داده و همه وسایل تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تصمیم گیری را انحصاری کرده است. ایدئولوژی مسلط بورژوازی، بر همه اشکال ارتباط جمعی اثر می گذارد و اساساً به آن ها شکل می دهد. کارزار هماهنگ امپریالیسم برای پخش و نشر اطلاعات کنترل شده، غلط و تبلیغات مسموم بر ضد سوسیالیسم و همه اعتقادات ترقی خواهانه و مستقل دیگر، یکی از مشخصه های وضعیت جهان حاضر است... مشخصه های ساختار طبقاتی در سراسر کره زمین از این عامل ها نشأت می گیرند. در شرایط کنونی جهان، بی نظمی ها، مشکلات فراوان، مصاف ها، فرصت ها و وظایف احزاب کمونیستی و کارگری را مطرح می کنند. در پایان قرن نیاز مبرمی به شکل گیری یک جایگزین (آلترناتیو) در سیاست جهانی است که بتواند به عامل موازنه در مقابل امپریالیسم منجر شود...»

« ۱۵۰ سال پس از انتشار مانیفست حزب کمونیست، جهان تغییرات زیادی کرده است. اما گرایش تناوبی و عمومی در میان کشورهای سرمایه داری به ایجاد بحران های تولید اضافی، همچنان باقی مانده است. رقابت های بین المللی بین کشورهای عضو نفتا، اتحادیه اروپا و پیمان آپک (کرانه اقیانوس آرام) برای نظارت بر بازار های جهانی، ثبات جهان را به مخاطره انداخته و می تواند خطر جنگ را در پی آورد... این تحولات، مشخصه های کلیدی عرصه ایدئولوژیک، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در نوسازی سوسیالیسم علمی است که تنها جایگزین منسجم و پیگیر در مقابل سردرگمی نظریه ها، سیاست ها و ایده هایی که ریشه در نظارت بورژوازی بر مردم و آینده آنان را دارد. رخداد های گذشته نه چندان دور همچنین افشاگر درجه ای از عقب ماندگی جنبش در توضیح ثوریک انقلاب فن آوران (تکنولوژیک) و عواقب آن برای جامعه بشری بوده اند. نوسازی و از سرگیری کار ایدئولوژیک اهمیت عاجل دارد، و باید به موازات انجام وظایف در ارتباط با تقویت تشکیلاتی و ساختاری جنبش به آن پرداخت. شالوده های ایدئولوژیک ما توسط مارکس و لنین بنا شده و به اعتبار خود باقی اند. ولی نوسازی دایمی ایدئولوژی طبقه کارگر، رای بسیج نیرو های سنتی و جدید جهت مبارزه برای تغییر اجتماعی و انقلاب ح، یاتی است. احزاب کمونیستی باید دائماً موضوعیت برداشت های خود را بر پایه اکتشافات علمی و توسعه دانش بشری مورد آزمایش قرار دهند... در این عرصه همکاری بین المللی طبیعی بوده و به تدوین کردن درک بهتری در بین نیرو های خواستار تغییر ک، مک خواهد کرد...»

«اضافه بر آن دو مشخصه دیگر هم از اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی نیرو گرفته است و بطور قابل ملاحظه ای بر ظرفیت ما در جستجوی مسیری متفاوت برای تحول اجتماعی، تأثیر می گذارد. اولی، ناسیونالیسم



شرکت هیات نمایندگی حزب توده ایران در چهاردهمین کنگره حزب کمونیست آلمان

چهاردهمین کنگره حزب کمونیست آلمان، در روزهای ۲۲ تا ۲۴ ماه مه، با حضور ۲۵۰ نماینده انتخابی سازمان های حزبی از سراسر آلمان، برگزار شد. کنگره با سخن رانی هاینس اشتر، دبیر اول حزب کمونیست آلمان، آغاز به کار کرد. وی با ارایه گزارشی از فعالیت رهبری حزب، در فاصله دو کنگره نمایندگان حزبی و خبرنگاران رسانه های گروهی را در جریان بحث ها و نقطه نظرات حزب کمونیست آلمان پیرامون اوضاع سیاسی کشور، قرار داد. عمده ترین محور کار کنگره، بحث و بررسی سندی با عنوان «سوسیالیسم، تنها جایگزین تاریخی امپریالیسم» بود که از مدتها پیش طرح آن توسط کمیونی که بدین منظور تشکیل شده بود، تهیه و منتشر شده بود. نمایندگان کنگره در پایان با اکثریت قاطع خود این سند را که از ارکان مهم برنامه حزب در آینده خواهد بود، به تصویب رساندند. از ویژگی های بارز این کنگره، حضور ۲۹ حزب کمونیستی و کارگری از پنج قاره جهان در این نشست بود. حزب توده ایران نیز به دعوت رهبری حزب کمونیست آلمان، هیأت نمایندگی خود را برای شرکت در کنگره فرستاد، که حامل پیام کمیته مرکزی حزب خطاب به چهاردهمین کنگره حزب کمونیست آلمان بود.

در پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران، ضمن شادباش و تبریک بمناسبت برگزاری کنگره حزب برادر، و آرزوی موفقیت برای کار کنگره، چنین آمده بود: «کمیته مرکزی حزب توده ایران دروهای رفیقانه خود را به شما نمایندگان شرکت کننده در چهاردهمین کنگره حزب کمونیست آلمان و هم چنین از طریق شما به همه اعضای و هواداران حزب و همه مبارزین راه صلح و سوسیالیسم در آلمان تقدیم می کند. حزب توده ایران با علاقه زیاد مبارزه طبقه کارگر آلمان را برای دستیابی به جامعه ای دموکراتیک و پیشرو که در آن بیکاری، استثمار و برتری نژادی جایی ندارد، دنبال می کند. ما همواره مبارزه قهرمانانه و دشوار کمونیست های آلمان را در طول سال های حکومت فاشیستی و پس از آن، در دوره طولانی جنگ سرد، تحسین کرده ایم و به آن با دیده احترام نگریسته ایم. کمونیست های ایرانی همیشه به روابط نزدیک و ثمر بخش خود با حزب کمونیست آلمان، به مثابه نمونه ای از همبستگی انترناسیونالیستی، افتخار کرده و این همبستگی برادرانه را همچنان ارجح می گذارند... مبارزه حزب کمونیست آلمان برای ایجاد یک جایگزین عادلانه و دموکراتیک برضد نظام سرمایه داری در آلمان، بخشی جدایی ناپذیر از پیکار جهانی در مقابل سرمایه داری است. حزب کمونیست آلمان به سبب مبارزه اصولی و بیگیر خود با جنگ، نژادپرستی و سلطه انحصارهای امپریالیستی، مورد احترام عمیق جنبش کمونیستی جهان است. حزب توده ایران در شرایط و محیط متفاوتی عمل می کند. دیکتاتوری حاکم بر کشور ما با پیگرد و غیر قانونی اعلام

کردن حزب ما، قصد نابودی و حذف حزب را داشته است.

با این حال دشمنان حزب توده ایران در اهداف شوم خود ناموفق بوده اند. رژیم حاکم با دنبال کردن سیاست تعقیب، زندانی کردن و بالاخره کشتار گروه بزرگی از رهبران، کادرها و اعضای حزب، نتوانسته است حتی لحظه ای مبارزه ما را متوقف کند... مبارزه مردم ما در اوضاع کنونی، در اشکال گوناگون، تظاهرات توده ای، اعتصاب های کارگری، مبارزه با سانسور مطبوعات و بی حقوقی زنان و جوانان... در حال اوج گیری است. مردم ایران به تجربه دریافته اند که رژیم «ولایت فقیه» فاقد هرگونه توان برای اصلاحات پایدار و دموکراتیک است. در انتخابات ریاست جمهوری، خرداد ماه ۱۳۷۶، بیش از ۲۰ میلیون تن از رای دهندگان، با وجود شرایط غیر دموکراتیک و تحمیلی، رای خود را به ضد رژیم و کاندیدای مورد نظر آن، به صندوق ها ریختند. انتخابات ریاست جمهوری در حقیقت یک همه پرسی خلقی بر ضد رژیم بود...»

در جریان کنگره، همچنین هیات نمایندگی حزب توده ایران در میزگردی با عنوان «سوسیالیسم تنها جایگزین تاریخی امپریالیسم»، که به ابتکار حزب کمونیست آلمان و با شرکت احزاب شرکت کننده در کنگره برگزار شد، شرکت کرد و به تشریح دیدگاه های حزب توده ایران پیرامون سوسیالیسم، پرداخت. نماینده حزب از فرصت پیش آمده استفاده کرد و احزاب حاضر در جلسه را در جریان برگزاری چهارمین کنگره حزب و مصوبات آن، از جمله سند «فروپاشی سوسیالیسم در اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی»، که حزب توده ایران آن را از مدت ها قبل تهیه کرده و به تصویب کنگره چهارم رسیده، قرار داد.

علاوه بر این، هیات نمایندگی حزب توده ایران در جریان برگزاری کنگره، ضمن ملاقات و دیدار با هیات نمایندگی احزاب برادر، از جمله حزب کمونیست فدراسیون روسیه، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست سودان به تبادل نظر و گفت و گو پرداخت. در این نشست، هیأت نمایندگی حزب، نمایندگان و احزاب حاضر در کنگره را در جریان آخرین تحولات ایران و مشی سیاسی حزب قرار دادند.

چهاردهمین کنگره حزب کمونیست آلمان پس از سه روز فعالیت، و تصویب اسناد مهم و تدوین برنامه کاری در زمینه فعالیت های سیاسی و انتخاباتی حزب و کار مطبوعاتی و تئوریک، ضمن انتخاب رهبری حزب و کمیونی جهت تدوین برنامه آتی حزب و ارایه آن به کنگره پانزدهم، با سرود انترناسیونال، به کار خود پایان داد.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:534

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

23 June 1998

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۲۹ -

حساب بانکی ما:

IRAN e. V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک